

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

شادروان استاد احمد علی کهزاد

فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

## غرجستان

اگر روی نقشه افغانستان نگاه شود، در تقسیمات ولایتی و حکومتی های اعلائی ما یکی هم حکومت اعلائی میمنه است که اندخوی، دولت آباد، درزاب، گرزوان و قیصار حصص عمده آنرا تشکیل میدهد و سلسله کوه تیربند ترکستان و دامنه های جنوبی آن تقریباً یک ثلث بقیه جنوب ساحه این حکومتی را پر میکنند.

جغرافیه نگاران عرب علاقه ای را که بطرف شرق بادغیس یعنی بین بادغیس و سرپل افتاده و رودخانه معروف و تاریخی مرغاب یک حصه زیاد آنرا شاداب میکند، بنام (غرج الشار) یاد کرده اند. این اسم مرکب از دو کلمه است: (غرج) و (شار). شار به اتفاق همه مؤرخان عرب لقب شاهان این علاقه بود و (شار غرجستان) یعنی (شاه غرجستان) در متن تواریخ به تکرار یاد شده و شاهان این ناحیه به لقب (شار) خوانده میشدند. کلمه دیگر (غرج) بصورت مختلف دیگر مانند (غرژ) و (غرش) هم قید است.

این کلمه را بعضی اسم خاص قوم و بعضی مانند (مقدسی) در زبان محلی (کوه) ترجمه کرده اند. به این ترتیب (غرج الشار) را (شار کوه) یا به اصطلاح عربی (ملک الجبال) ترجمه میتوان کرد. چنانچه منابع عربی با حذف کلمه (شار) همین لقب را بصورت (ملک الغرج) هم استعمال کرده اند که آنرا به زبان دری (شاه کوه) یا (شاه قوم غرج) میتوان ترجمه نمود.

بهر حال همین (غرج الشار) در دوره های جدید تر قرون وسطی شکل (غرجستان) بخود گرفته است و در عصر هجوم مغل عموماً به همین نام معروف بود. قراری که (یاقوت) به ملاحظه میرساند همین اسم به صورت دیگر مانند (غرجستان) و (غرجستان) هم تلفظ میشد ولی نباید آنرا با (غورستان) یا (غور) که بطرف جنوب منطقه مذکور افتاده است، اشتباه کرد.

قراری که از خلال نوشته های عرب ها معلوم میشود، مفهوم جغرافیائی غرجستان یا غرجستان از چوکات امروزی حکومتی اعلائی میمنه چه بطرف غرب و چه بطرف جنوب فراختر بوده، زیرا بالامرغاب که امروز جزء ولایت هرات است، از طرف غرب تا (بادغیس) و سلسله فیروزکوه که بطرف جنوب و جنوب شرق تیربند ترکستان افتاده از طرف جنوب شرقی شامل آن بود زیرا قلعه معروف (تولک) را که در اثر مقاومت شدید علیه مغل ها در تاریخ معروف شده است و منهاج السراج جوزجانی مؤلف طبقات ناصری از شهادت مدافعان آن تعریف کرده است، در حدود غور و غرجستان قرار میدهد. این تعریف جغرافیائی واضح میسازد که نیمه جنوبی غرجستان عموماً کوهستانی و نیمه شمالی آن جلگه ئی و تپه زار بوده است.

غرجستان در تمام دوره قرون وسطی به آبادی و حاصل خیزی شهرت داشت و شهرهای آبادانی داشت که تعیین صحیح موقعیت آنها بدون تحقیقات دقیق و علمی چندان آسان نیست. در جمله شهرهای آبادان این ناحیه یکی بنام (ابشین) یا (افشین) یا (باشین) یاد شده که محل آن درست معلوم نیست و موقعیت آنرا در سواحل شرقی مرغاب قرار میدهند. در اطراف این شهر باغهای زیاد بود و برنج زیاد از آنجا به بلخ فرستاده میشد. شهر دیگر معروف این ناحیه (شورمین) یا (سورمین) خوانده شده و در علاقه کوهستانی به فاصله چهار روز راه بطرف جنوب شهر اول الذکر وقوع داشت.

"لوسترانج" مؤلف کتاب "اراضی خلافت شرقیه" آنرا به احتمال در فاصله چهار روزه راه شمال شرق (کرخ) قرار میدهد. (یاقوت) از دو شهر دیگر این ناحیه به نام های (سنجه) و (بیور) یاد میکند. شهری که در آن (شار) یعنی شاه غرجستان اقامت داشت به اسم (بلیکان) یا (بلیپکان) نام برده شده و در حقیقت مرکز اداری یا پایتخت و شاه نشین غرجستان بوده است.

از مطالعه تاریخ ملکان غور و سلطان های غزنه و واقعات این عصر چنین استنباط میشود که سلاطین مقتدر غوری و غزنوی کهستانات دشوار گذار جنوب غرجستان یعنی دره های هولناک تیربند ترکستان و فیروز کوه را برای مخالفان خود بحیث محبس استعمال میکردند. بواقع در دره های صعب العبور و نقاط شامخ جبال حصارها و قلاع محکم ساخته بودند که از آن جمله حصار (اشیار) و قلعه (بلروان) را میتوان اسم برد. این حصار و قلعه بیشتر اوقات شکل محبس بخود داشت و ملکان غوری مخالفان سرسخت خود را بدانجاها قید مینمودند.

متأسفانه تحقیقات علمی هنوز به هیچ اسم و رسمی در علاقه های غرجستان قدیم شروع نشده. تنها از بعضی نقاط مجاور میمنه از قبرستان های قدیمه پیش از اسلام بعضی اثاث البیت چوبی بدست آمده که یکی دو نمونه آن در موزه کابل موجود است. / ۵ اسد ۱۳۴۱